

پربشانه‌حوالی در روزگار آخرالزمان

گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری انجمن فلسفه دین از سال گذشته مجموعه درس‌گفتارهایی در فلسفه دین را با موضوعات مختلف برگزار کرده و در آخرین نشست خود به بررسی موضوع تجربه دینی پرداخته است.



گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری انجمن فلسفه دین از سال گذشته مجموعه درس‌گفتارهایی در فلسفه دین را با موضوعات مختلف برگزار کرده و در آخرین نشست خود به بررسی موضوع تجربه دینی پرداخته است. در این نشست دکتر بی‌ژن عبدالکریمی درباره پرسش از چیستی و امکان یا عدم‌امکان تجربه دینی در دوران جدید سخنرانی کرد و دکتر سلیمان حشمت نیز به بررسی «وحدت صراط، کثرت طریق» پرداخت و در نهایت دکتر قاسم پورحسن درباره ویلیام جیمز و تجربه دینی نزد وی صحبت کرد. متن ذیل تقریری از سخنرانی این اساتید است که از نظراتان می‌گذرد.

دکتر بیژن عبدالکریمی: موضوع صحبت من با 2 پرسش بنیادین در حوزه فلسفه دین روبه‌روست: الف- دین چیست و سرشت و شاخصه‌های اساسی «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» دینی کدام است؟ ب- آیا علی‌الاصول برخورداری از «دین» یا «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» دینی در دوره جدید و با توجه به بسط کامل سوبژکتیویسم متافیزیکی برای بشر امکان‌پذیر است؟

به‌منظور روشن‌شدن حوزه بحث و پاسخگویی به پرسش نخست، یعنی پرسش از چیستی و سرشت دین و تعیین شاخصه‌های اساسی «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» دینی، ابتدا به‌نحوی سلیبی توضیح خواهم داد که اساساً دین و «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» دینی چه چیز نیست و دین را از کدامین امور شبه‌دین و ممزوج‌شده با دین باید بازجست. عمدتاً تصور ما بر این است وقتی که از تعابیر «دین» و «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» استفاده می‌کنیم، از امری مشخص، واضح و روشن سخن می‌گوییم، لیکن همان‌گونه که تاریخ پرتنش و پرکشمکش حیات ادیان نشان می‌دهد و ما خود نیز وقتی در مسیر پرسش و جست‌وجو از سرشت دین قرار گرفته یا در بستر حیات فردی، اجتماعی و تاریخی خویش، به‌خصوص در دوران مدرن، این تنش‌ها و کشمکش‌ها را تجربه می‌کنیم، درمی‌یابیم که به‌هیچ‌وجه تلقی واحد و مشترکی از این تعابیر وجود ندارد.

ما معمولاً تعابیر «دین» و «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» را در متون و سیاق‌هایی گوناگون و در معانی مختلف و متنوعی به کار می‌بریم که توجه بدان‌ها می‌تواند ما را در فهم نسبتاً روشن‌تری از سپهر بحث از سرشت و ماهیت دین و امر دینی یاری دهد. به اعتقاد اینجانب، ما تعابیر «دین» و «تجربه/ خودآگاهی/ زیست» را در 8 سیاق گوناگون و بدون تمایزگذاری روشن در معانی آنها به کار می‌بریم. قابل ذکر است که تمییز و تفکیک این معانی گوناگون، مثل بسیاری دیگر از تمایزگذاری‌ها، صرفاً در حوزه ذهن بوده، این تمایزگذاری در عرصه زندگی و واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی بسیار دشوار می‌نماید و این تفکیک نظری صرفاً به ما کمک می‌کند تا درباره دین، امر دینی و موضوعاتی که مسائل و پرسش‌های پیرامونی آنها را تشکیل می‌دهند به‌نحوی روشن‌تر و مشخص‌تر بیندیشیم. از نظر من، براساس نوعی استقرار- که به‌هیچ‌وجه دعوی تام بودن را نیز ندارد- شاید بتوان گفت ما غالباً دین و صفت دینی را با 8 رهیافت گوناگون و در 8 معنای مختلف به کار برده یا علی‌الاصول می‌توانیم به کار ببریم.

قابل ذکر است که این رهیافت‌ها و معانی حاصل از آنها را به‌هیچ‌وجه نباید تعریف یا تعاریفی مشخص از دین تلقی کرد بلکه آنها را می‌بایست حکایتگر وصفی از اوصاف یا کارکردی از کارکردهای متکثر پدیداری به نام دین و نیز بیانگر حوزه‌های گوناگونی دانست که مفهوم دین در آنها به کار می‌رود. این هشت رهیافت به دین و امر دینی و به تبع آن هشت معنا از دین عبارتند از: 1- دین به منزله فرهنگ 2- دین به منزله تئولوژی 3- دین به منزله مجموعه‌ای از آداب و رسوم و شعائر 4- دین به منزله ابژه یا متعلق شناسایی 5- دین به منزله اخلاق 6- دین به منزله ایدئولوژی 7- دین به منزله یک امکان در برابر اگزستانس و به منزله یک امر وجودی- وجودشناختی 8- دین به منزله یک عالم تاریخی.

در پایان باید به‌عنوان یک نتیجه‌گیری اظهار داشت که بنده درصدد اثبات این مدعا هستم که تنها آن نوع از فلسفه‌های دین می‌توانند از امکان به‌اصطلاح تجربه دینی دفاع کنند که برای ما به نحو توأمان امکان گذر از متافیزیک، سوبژکتیویسم، نیهیلیسم و هیستوریسیسم را فراهم ساخته، وجود ساحت فراتاریخ و امکان استعلاء به این ساحت را برای آدمی نشان دهند؛ لذا، فلاسفه دین در معنای رایج که در سنت تحلیلی، یعنی در سنت تفکر متافیزیکی‌ای که براساس چارچوب‌های سوبژکتیویستی دکارتی-کانتی شکل گرفته است، در واقع نه دین بلکه دین ابژه‌شده را مورد تأمل و پژوهش قرار می‌دهند و بدین ترتیب، خود از زمینه‌سازان بسط سکولاریسم و بسط نیهیلیسم در روزگار کنونی ما هستند.

وحدت صراط، کثرت طریق

دکتر سلیمان حشمت: یکی از معانی دقیق و بسیار مهم در اسلام، معنای کمال دین و وحدت و کلیت آن یعنی دین به مثابه یک کل است که صور مبتنی بر فرجام‌شناسی دین و ناظر به خاتمیت پیامبر اعظم (ص) و متضمن جامعیت اسلام و امت وسط بودن مسلمانان

است.

این معنا با تعبیر گوناگون از جمله تعبیر عجیب و فوق‌العاده صراط مستقیم در قرآن مجید و لسان اهل‌بیت وارد شده و ریشه‌شناسی کلمات صراط و کل نیز بر آن دلالت دارد. اما نکته آن است که این وحدت صراط به معنای وحدت مفهومی نیست بدان‌گونه که در مقابل کثرت قرار گیرد و آن را به کلی منتفی سازد بلکه برعکس در عین حال بر کثرت سبل هدایت و تعدد طرق‌الله اشتمال دارد همچنان که تأویل گویای تاریخی اقتضای آثار انبیا در قرآن کریم و ایتاء جوامع کلم در کلام نبوی به صراحت حاکی از آن است. این معنایی باریک است.

وسط بودن بین وحدت و کثرت (وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت) و مذهبیت توأمان اول و آخر و ظاهر و باطن و مانند آن و جمع میان متقابلین که خود ناشی از فطرت حق‌جوی آدمی و مقام برزخی انسان و تخصیص شأن مظهریت جامع و تعلم کل اسماء الهی برای اوست، در مقابل تمثیل کثرت مطلق ادیان قرار می‌گیرد که به جهت بازگردان تعدد و تکثر ادیان و تنوع ادیان و مراتب و منازل اولیاء و صالحان و سالکان طریق و تسعید احساسات در روانشناسی یا ضمیر ناخودآگاه در روانکاوی یا تجربه درونی یا مشاهده وجدان بشری تحت عنوان تجربه دینی و احاله آن خود به دانش‌ها و معارف دوران و تجربه بیرونی و مشاهده حسی و انباشت و سیر آن در روند تاریخی و مانند آن، فاقد وحدت ذاتی در دین و از مصادیق بارز تشتت پیرایش‌احوالی در روزگار آخرالزمان است و زندآگاهی (hermenutic) نادرستی در کار می‌آورد که در نهایت به اقتضای حوالت تاریخی دوره جدید به کار اثبات بشرم‌دارانگاری و حیث موضوعی می‌آید. خطا در این اقوال آن است که به جای حق تعالی آدمی را مصداق بالذات و نه بالعرض صفات کمالی می‌پندارند و شأن شناسایی و قوه علمی را مطلق کرده و با حقیقت او یکی می‌گیرند و این خود یعنی جزء را کمال کل انگاشتن.

ویلیام جیمز و تجربه دینی

دکتر قاسم پورحسن: جیمز با رویکرد پراگماتیسم تلاش می‌کند تا ارزش نهایی دین در زندگی انسان را بررسی کند. یکی از دغدغه‌های اصلی او دین بود. کتاب «انواع تجربه دینی» در طول 10 سال (1906-1896) نوشته شد. در 1901 بخش‌های اولیه این کتاب را در سخنرانی‌هایی عرضه کرد که 300 نفر در آن حضور می‌یافتند و در سخنرانی‌های سال بعد در هاروارد حدود 400 نفر شرکت می‌کردند. عنوان سخنرانی اولیه او «انواع تجربه دینی» بود. کتاب انواع تجربه دینی جیمز از چنان محبوبیت و مقبولیتی برخوردار شد که در همان سال نخست 6 بار تجدید چاپ شد.

رویکرد او در تبیین تجربه دینی، پراگماتیستی است. گاهی پراگماتیسم به معنی حکم منطقی یا صدق و افاده عملی گزاره است، یعنی حقیقت عبارت است از توافق آنها با واقعیت و گاهی پراگماتیسم به معنای آثار و نتایج در زندگی. جیمز در باب دین، رویکرد و معنای دوم را می‌پذیرد یعنی به آثار و نتایج دین در زندگی توجه دارد لذا مبنای تحلیل تجربه دینی در کتاب انواع... همین روش است. باور حقیقی نزد وی باوری است که پس از عمل به آن، نتایج به نحو تجربی بوده و رضایت‌بخش باشد لذا تجربه دینی نزد او متمایز از تعریف عقلی یا انتزاعی از دین است. جیمز با اینکه معتقد است تجربه‌های دینی وصف‌ناپذیرند اما آنها را دست‌یافتنی می‌داند. روش جیمز تلفیقی از تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی است؛ یعنی پراگماتیسم. این فلسفه به باور جیمز می‌تواند همانند فلسفه‌های عقل‌گرا، مذهبی بماند و نیز می‌تواند همانند تجربه‌گرایان، تماس با واقعیت را حفظ کند. جیمز نگاه تجربی را در تحلیل‌های روانشناختی خود از احوال دینی حفظ می‌کند. روش خاص او دآوری معنوی است در برابر دآوری وجودی. روش منحصر به فرد جیمز در کتاب انواع تجربه دینی، دآوری معنوی است. جیمز معتقد است که نمی‌توان به جوهر دین دست یافت بلکه تنها می‌توان ویژگی‌های دین را نشان داد لذا دین نامی است برای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها. جیمز در انواع تجربه دینی می‌گوید بسیاری از فیلسوفان دین تلاش کردند تا تعاریف زیادی برای دین ذکر کنند اما هیچ‌یک نتوانستند جوهر و ذات واحدی را برای دین تعیین کنند و حداکثر ویژگی‌هایی برای دین بیان کردند.

منوچهر دین‌پرست

همشهری آنلاین